



بررسی تاثیر الگوی شورایاری محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری

دکتر غلامرضا کاظمیان

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی
kazemian44@hotmail.com

دکتر فریده حق شناس کاشانی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

رضا شادمان فر

دانش آموخته کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات (مسئول مکاتبات) shadmanfar@gmail.com

چکیده

در این پژوهش بعد از مطالعه و بررسی مفهوم مشارکت شهروندان با مدیریت شهری با استفاده از نظریه آیزن و فیش باین به عنوان پایگاه نظری؛ عوامل موثر بر مشارکت شهروندان شامل عوامل عینی و ذهنی، شناسایی و در یک مدل تحلیلی رسم شدند. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در بین ۳۸۵ نفر شهروند و ۳۱۵ نفر شورایاری به عنوان نمونه آماری به انجام رسیده که پس و تجزیه و تحلیل داده به این نتیجه رسیده است که تاثیر الگوی مشارکتی شورایاری بر جامعه شورایاران بسیار بیشتر از جامعه شهروندان بوده است؛ الگوی مشارکتی شورایاری در عامل قصد و نیت به مشارکت نسبت به فراهم شدن امکان مشارکت موفق تر عمل کرده است. و همچنین می‌تون گفت که شورایاری در تحریک عوامل درونی کنش مشارکت بهتر از عوامل بیرونی موثر بوده است.

واژگان کلیدی

مشارکت، مدیریت شهری، شورایاری، شهروند، محله، انجمن معتمدین محلات

مقدمه

مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی موثر و ذریبط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر است. اما اکثر صاحبان نظر امور شهری به این نتیجه رسیده‌اند که چنین مدیریتی بدون همکاری و مشارکت ذینفعان اصلی امور شهر (مردم)، موفقیت چندانی در اداره‌ی شهرها ندارند. در طول نیم قرن گذشته بحث مشارکت از موارد بسیار مهمی بود که برای تمامی حوزه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی جذابیت ویژه‌ای داشته است در این بین دانش مدیریت شهری به هدف دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار در شهر نیازمند بالابردن مشارکت شهروندان در این امر می‌باشد، با در نظر گرفتن سیاست محله محوری و نگاه جزئی‌نگر مدیریت شهری شهر تهران، می‌بینیم که تجربه جدیدی از جلب مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در حال برداشتن گامهای اولیه می‌باشد و شهر تهران در حال آزمون مدل جدیدی از مشارکت شهروندان با مدیریت شهری است. با تشکیل انجمنهای محله در ۳۷۱ محله‌ی شهر تهران، الگوی جدیدی را از مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پیش روی قرار داده است. تشکیل انجمنهای شورایی محله در شهر تهران شروع شکل‌گیری پرسش اصلی این پژوهش بود که آیا تعامل شوراییاران منتخب مردم در ۳۷۱ محله شهر تهران در جلب مشارکت شهروندان با مدیریت شهری موثر است؟

ادبیات پژوهش

با گردآوری و مطالعه پیشینه مطالعاتی و اهم پژوهشهای صورت گرفته پیرامون مشارکت شهروندان، محله محوری و...، نتیجه حاصله این شد که مشارکت، از مصادیق کنش اجتماعی بوده و تمامی احکام و عوارض آنرا نیز داراست. و کنش اجتماعی عبارت است از همه حالات فکری، احساسی و رفتاری که جهت‌گیری آنها بر اساس الگوی جمعی ساخت‌یابی شده‌اند. و مهم‌ترین نظریه‌ای که بتواند کنشهای مختلف افراد جامعه را تبیین کرده و توضیح دهد، نظریه کنش موجه است. الگوی کنش موجه بوسیله فیش باین و آیزن در سال ۱۹۷۵ ارائه گردید. (Karami & Shiva 2006) این الگو بطور گسترده‌ای در علوم اجتماعی و روان‌شناسی بکار گرفته شده است و در ارتباط با متغیرهای تعیین کننده رفتار نیت شده (با قصد و نیت مشخص) که بصورت آگاهانه



انجام می‌پذیرد، است. (Davis, Bayozzi & Warshaw 2003, 982-1003) الگوی کنش موجه سعی در پیش بینی رفتار دارد و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که این الگو این توانایی را دارد. (Niemeyer 1991) عناصر الگوی کنش موجه از دو جزو اصلی تشکیل شده است: بخش شخصی و بخش اجتماعی؛ که ترکیب آنها پیش‌بینی کننده یک نیت رفتاری است. (علوی تبار ۱۳۷۹) اما صاحب‌نظران معتقدند که فعل مشارکت شهروندان بدون فراهم شدن امکان و ابزار آن ممکن نمی‌شود. لذا متغیرهای اصلی در تبیین مشارکت شهروندان بدست آمد: نیت و امکان.

با مطالعه ادبیات موضوع و نظرات صاحب نظران روشن شد که دو عامل مذکور تحت تاثیر عوامل دیگر مشخص و تبیین می‌شوند. نیت تحت تاثیر آگاهی و اطلاعات فرد در مورد مشارکت، تصور و ارزیابی فرد از پیامدهای مشارکت (که برآیند آن را گرایش نامیده شد)، تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و انگیزه فرد برای برآوردن توقعات دیگران (که برآیند آن هنجارهای ذهنی نامیده شد) و بالاخره سوابق فرد در زمینه مشارکت است. از طرفی فراهم شدن امکان مشارکت به نظام قانونی و نهادی جامعه برمی‌گردد اگر یک الگوی مشارکتی به شکل نهاد درآید معنی آن این است که از طرف مردم و جامعه به مسایل و مشکلات، پاسخهای نسبتاً پایداری داده شده‌اند. همچنین فراهم شدن ابزار مشارکت چه از نوع رسمی یا غیر رسمی، به شکل روبه پیگیری امور در نهادهای شهری بخشی از فراهم شدن امکان عینی برای مشارکت است.

فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به عوامل اصلی دخیل در فرآیند مشارکت شهروندان بر اساس پایگاه نظری دو فرضیه اصلی تدوین شد:
- فرضیه اصلی ۱: فعالیت شورایاریها موجب افزایش تمایل (قصد و نیت) شهروندان به مشارکت با مدیریت شهری شده است.
 - فرضیه اصلی ۲: شورایاریها در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری موثر هستند.

روش پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش دو نوع پرسشنامه طراحی شد، که یکی برای پاسخگویی در اختیار شورایاران محلات و دیگری در اختیار شهروندان همان محلات

قرار داده شد. این پرسشنامه‌ها پس از تعیین عوامل موثر در تحقق مشارکت شهروندان بر اساس پایگاه نظری پژوهش؛ مولفه‌های دخیل در این عوامل را شناسایی و بر اساس شاخص‌های هرکدام، اقدام به طراحی گویه‌هایی گردید که به همراه پنج گزینه به سنجش هرکدام از شاخص‌ها و عوامل اولیه می‌پرداخت.

برای طراحی گویه‌های پرسشنامه ابتدا تعداد ۷۵ عبارت که درجات مختلف نگرش به هرکدام از مولفه‌ها و شاخص‌های مشارکت شهروندان را منعکس کند تهیه شد (برای این کار از پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش‌های مرتبط گردآوری و تخلیص شد) سپس گروهی از صاحب نظران مشارکت اجتماعی، دست‌اندرکاران طراحی و اجرای طرح شورایی محلات، اساتید رشته‌های جامعه‌شناسی، مدیریت شهری، شهرسازی و ارتباطات برگزیده شدند و گویه‌های نامربوط و نامناسب کنار گذاشته و گویه‌های متناسب با جامعه آماری شوراییاران و شهروندان تفکیک شدند. و در کنار سئوالات شناسایی قرار گرفته و پرسشنامه‌ها آماده شد. طی این مراحل باعث شد تا ابزار جمع‌آوری داده‌ها از روایی گروه مرجع برخوردار شود. همچنین برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری برای هر جامعه (جامعه شهروندان و جامعه شوراییاران) از آزمون مقایسه نسبت‌ها در سطح احتمال خطای $\alpha = 0/05$ استفاده گردید.

محاسبه حجم نمونه

قبل از جمع‌آوری داده‌ها باید نمونه‌گیری صورت می‌گرفت و قبل از آن باید حجم نمونه مشخص می‌شد لذا با توجه به اینکه در این پژوهش با دو جامعه آماری مواجه هستیم و یکی از آنها از نوع محدود و دیگری را می‌توان نامحدود تلقی کرد. لذا از دو رابطه مجزا برای محاسبه حجم نمونه استفاده شد و در نتیجه برای جامعه شهروندان ۳۸۵ نفر و برای جامعه شوراییاران ۳۴۵ نفر حجم نمونه. در سطح خطا $\alpha = 0/05$ مشخص شد. برای شکل دادن به فرآیند نمونه‌گیری در این پژوهش، به دلیل پرهیز از هرگونه گزینش بر اساس داوری شخصی پژوهشگر، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است.

روش نمونه‌گیری

برای نمونه‌گیری از شهروندان، در شهر با ساختاری مختلط روبرو هستیم و بر همین اساس برای سهولت در امر نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری مختلط یا خوشه‌ای استفاده شد؛ یعنی بر اساس موقعیت جغرافیایی شهر به پنج پهنه شمال، جنوب، شرق، غرب و



مرکز تقسیم شد. (مطابق تقسیم بندی کمیسیون شورایاریها در شورای شهر تهران) و سپس از این پهنه‌ها، مناطقی مطابق تقسیم‌بندی مناطق شهرداری تهران بطور تصادفی و به روش قرعه کشی برگزیده شدند. و در سطح این مناطق به شکل کاملا تصادفی از ساکنین خواسته شد که به پاسخگویی به پرسشنامه بپردازند. و به این ترتیب پرسشنامه شهروندان توزیع و جمع‌آوری شد. اما کار در جامعه شورایاران پیچیده‌تر بود زیرا شورایاران محدودتر بودند و ضمنا باید بطور تصادفی انتخاب و جستجو می‌شدند. و بعد از ارسال پرسشنامه به برای جمع‌آوری پاسخها از آنها نیاز به پیگیری فوق العاده شدیدی بود. که در بعضی موارد به نتیجه نمی‌رسید

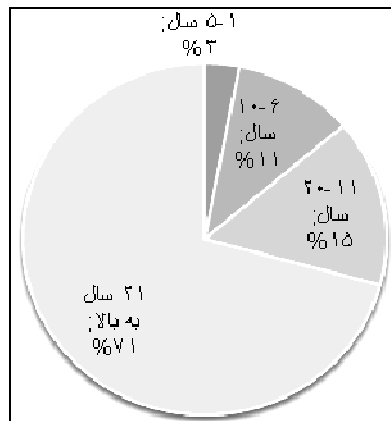
یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل محتوای داده‌های جمع‌آوری شده، یافته‌ها به طوری که در ادامه می‌آیند بدست آمد.

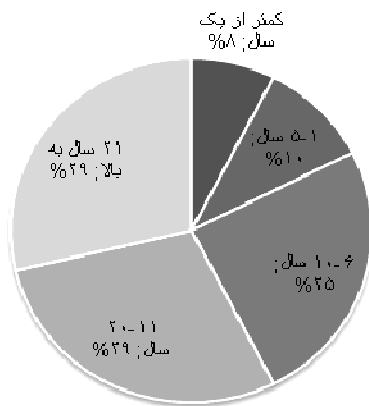
○ بررسی سابقه سکونت در محله در دو جامعه

آمار نشان می‌دهند که شورایاران شهر تهران در این دوره نسبتا از سابقه سکونت بیشتری از سایر شهروندان برخوردارند و یا می‌توان گفت که افراد با سابقه بیشتر در محله علاقه بیشتری به مشارکت با مدیریت شهری نشان داده‌اند و همچنین مورد اقبال هم محلی‌های خود قرار گرفته و منتخب آنها شده‌اند. (نمودار ۱ و نمودار ۲)

نمودار ۱: سابقه سکونت در محله در نمونه شهروندان



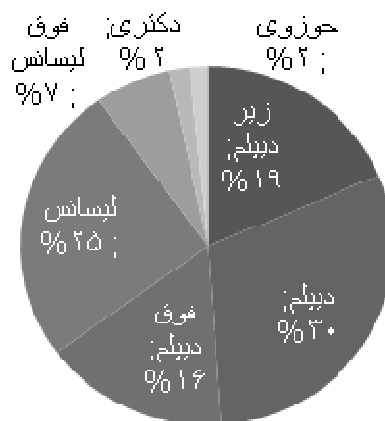
نمودار ۲: سابقه سکونت در محله در نمونه شورایاران



○ مقایسه میزان تحصیلات در دو جامعه

تفاوت چندانی بین شورایاران و شهروندان هر پهنه از شهر تهران از نظر سطح تحصیلات وجود ندارند و این می‌تواند نشان دهنده برگزیدن شورایاران از جامعه شهروندان هم منطقه خود باشد. اما وجود افراد با سطح تحصیلات پایین و عدم برخورداری از تخصص و مدرک دانشگاهی به عنوان معتمد مردم محله که می‌تواند باعث کاستی‌هایی در تعاملات شورایاریها با ارکان مدیریت شهری شود. لذا نیاز است که آگاهی‌های لازم بعد از انتخاب شورایاران به آنها داده شود تا آنها روش و اصول مربوطه در تعاملات سازمانی و مهارت‌های اصلی در پی گیری امور در دستگاهها را بیاموزند.

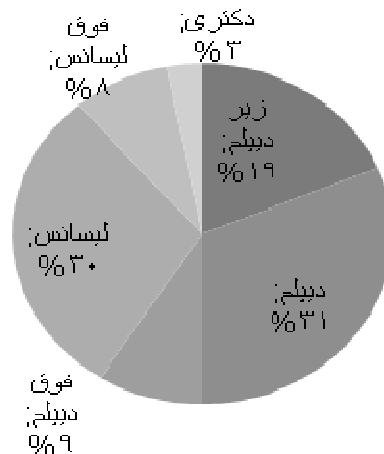
نمودار ۳: میزان تحصیلات در نمونه شهروندان



مطالعات مدیریت شهری
سال دوم
شماره سوم
پاییز ۱۳۸۹



نمودار ۴: میزان تحصیلات در نمونه شورایاران



آزمون فرضیه اصلی ۱ (قصد و نیت) در جامعه شهروندان

عنوان فرضیه: الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهر تهران بر افزایش قصد و نیت شهروندان تهرانی به مشارکت با مدیریت شهری شهر تهران موثر بوده است. جهت آزمون فرضیه فوق، از آنجا که فرضیه ما از نوع توصیفی است برای آزمون آن مناسبترین آماره، آزمون ناپارامتری کای اسکوئر تک متغیر است. بنابراین، فرض H_1 و H_0 پژوهش به شرح زیر است:

H_1 : الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهر تهران برافزایش قصد و نیت شهروندان تهرانی به مشارکت با مدیریت شهری شهر تهران موثر بوده است.
 H_0 : الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهر تهران برافزایش قصد و نیت شهروندان تهرانی به مشارکت با مدیریت شهری شهر تهران موثر نبوده است.

در ادامه، نتایج آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مقدار $\chi^2(286/58)$ با درجه آزادی ۴ و آلفای ۰/۰۱ فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهر تهران برافزایش قصد و نیت شهروندان تهرانی به مشارکت با مدیریت شهری شهر تهران موثر نبوده است. با توجه به این نتیجه فرض H_1 ما تایید و درعوض فرض H_0 ما رد می‌گردد. جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که نتایج آزمون ناپارامتری کای اسکوئر تک متغیره فرضیه الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهر تهران برافزایش قصد و نیت شهروندان تهرانی به مشارکت با مدیریت شهری شهر تهران موثر نبوده است.

جدول شماره ۱: نتیجه آزمون فرضیه ۱ پژوهش (تاثیر در قصد و نیت)

باقیمانده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	
-۷۱/۶	۷۸/۶	۷	کاملاً مخالف
-۸/۶	۷۸/۶	۷۰	مخالف
۱۱۶/۴	۷۸/۶	۱۹۵	بی نظر
۲۱/۴	۷۸/۶	۱۰۰	موافق
-۵۷/۶	۷۸/۶	۲۱	کاملاً موافق
		۳۹۳	جمع
$\chi^2 = ۲۸۶/۵۸$	Df= ۴	Sig= ۰/۰۱	

آزمون فرضیه اصلی ۲ (امکان) در جامعه شهروندان

عنوان فرضیه: الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهرتهران در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان تهران با مدیریت شهری شهر تهران موثر نبوده است. جهت آزمون فرضیه فوق، از آنجا که فرضیه ما از نوع توصیفی است برای آزمون آن مناسبترین آماره، آزمون ناپارامتری کای اسکور تک متغیر است. بنابراین، فرض H_1 و H_0 پژوهش به شرح زیر است:

H_1 : الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهرتهران در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان تهران با مدیریت شهری شهر تهران موثر بوده است.

H_0 : الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهرتهران در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان تهران با مدیریت شهری شهر تهران موثر نبوده است.

در ادامه، نتایج آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مقدار $\chi^2 (۴۲۲/۷۱)$ با درجه آزادی ۴ و آلفای ۰/۰۱ فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. بدین معنی که الگوی مشارکتی شورایاری محلات شهرتهران در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان تهران با مدیریت شهری شهر تهران موثر نبوده است. با توجه به این نتیجه فرض H_1 ما تایید و درعوض فرض H_0 ما رد می‌گردد.



جدول شماره ۲: نتیجه آزمون فرضیه ۲ پژوهش (تاثیر در امکان مشارکت)

باقیمانده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	
-۷۵/۶	۷۸/۶	۳	کاملاً مخالف
-۶۱/۶	۷۸/۶	۱۷	مخالف
۱۱۴/۴	۷۸/۶	۱۹۳	بی نظر
۸۳/۴	۷۸/۶	۱۶۲	موافق
-۶۰/۶	۷۸/۶	۱۸	کاملاً موافق
		۳۹۳	جمع
$\chi^2 = 422.71$	Df = 4	Sig = .01	

نتایج آزمون فرضیه‌های

آزمون فرضیه‌ها پژوهش بطور کلی نشان داده است که:

- الگوی شورایاری بر مشارکت شهروندان تهرانی با مدیریت شهری موثر بوده است.
- الگوی مشارکتی شورایاری محلات در قصد و نیت شهروندان تهرانی برای مشارکت با مدیریت شهری موثر بوده است.
- شورایاریها بر افزایش آگاهی شهروندان در مورد مشارکت با مدیریت شهری موثرند؛
- شورایاریها بر گرایش شهروندان به مشارکت با مدیریت شهری موثرند؛
- شورایاریها بر هنجارهای ذهنی شهروندان در مورد مدیریت شهری موثرند.
- الگوی مشارکتی شورایاری محلات در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان تهرانی برای مشارکت با مدیریت شهری موثر بوده است.
- شورایاریها در نهادینه شدن مشارکت شهروندان با مدیریت شهری موثرند؛
- شورایاریها در فراهم شدن امکان مشارکت شهروندان با مدیریت شهری موثرند.

همچنین از مقایسه نتایج آزمونها می توان اینطور نتیجه گرفت که :

- تاثیر الگوی مشارکتی شورایاری بر جامعه شورایاران بسیار بیشتر از جامعه شهروندان بوده است. این موضوع علاوه بر برآیند آزمون فرضیات از میزان تمایل شورایاران به شرکت در دوره بعد نسبت به شهروندان دیده می‌شود؛
- در هر دو جامعه عامل قصد و نیت به مشارکت نسبت به عامل دیگر یعنی فراهم شدن امکان همبستگی بیشتری را نشان می‌دهد؛

- عامل آگاهی در هر دو جامعه کمترین همبستگی را نسبت به سایر عوامل دارا می‌باشد و در جامعه شهروندان با ناحیه بحرانی فاصله کمتری دارد، این موضوع نشانگر آن است که الگوی شورایاری در آموزش و آگاهی دادن به شهروندان چندان موفق نبوده است؛
- در بررسی عوامل دخیل در قصد و نیت شهروندان و شورایاران به مشارکت عامل گرایش موفق‌تر از عامل هنجار عمل کرده است و این نشانگر آن است که شورایاری‌ها در بهبود تصور و ارزیابی شهروندان موفق‌تر بودند تا تصور از قضاوت دیگران و انگیزه برای برآوردن آن و می‌توان گفت که الگوی شورایاری محلات در فراهم شدن عوامل درونی مثبت‌تر عمل کرده تا عوامل بیرونی؛
- تاثیر شورایاری در عامل اصلی دوم در مشارکت شهروندان یعنی فراهم شدن امکان مشارکت در جامعه شورایاران بسیار مشهودتر از جامعه شهروندان بود؛
- عامل فراهم شدن نهادی برای مشارکت که یکی از دو عامل تامین‌کننده امکان مشارکت در نظر گرفته شده در جامعه شهروندان رابطه قوی‌ترین را نسبت به سایر عوامل نشان داده است. اما در جامعه شورایاران این عامل در رتبه بندی در رده دوم از آخر قرار می‌گیرد این نکته موید این است که با وجود اینکه شهروندان تشکیل شورایاری را در فراهم شدن امکان مشارکت بسیار مهم می‌دانند در مقابل شورایاران معتقدند که هنوز جایگاه قانونی خود را پیدا نکرده‌اند؛
- بر خلاف نکته قبل، شورایاران بیشتر فراهم شدن ابزار مشارکت را به عنوان تاثیر شورایاری در فراهم شدن امکان مشارکت می‌دانند؛
- در طول فرآین جمع‌آوری داده روشن شد بیش از ۶۰ درصد شهروندان چیزی در مورد شورایاری نمی‌دانند. ضمناً ۳۸ درصد از پرسش‌شوندگان اعضای شورایاری محله خود را نمی‌شناختند.

یافته‌های جنبی پژوهش

- بین سمت افراد در شورایاری و تاثیر شورایاری بر مشارکت آنها رابطه وجود دارد و بطور خاص می‌توان گفت که کسانی که در شورای محله از سمت محوری‌تری برخوردارند شورایاری را در مشارکت شهروندان موثرتر می‌بینند؛



- بین سمت در شورایی و علاقه به شرکت در دوره بعد رابطه وجود دارد افراد در سمت‌های غیر محوری یعنی هفت نفر عضو اصلی عادی و اعضای الابدل علاقه کمتری به شرکت در دوره بعدی شورایی نشان می‌دهند؛
- شوراییان علاقه بیشتری به ماندن در سمت خود نشان می‌دهند و به‌عکس شهروندان علاقه ندارند در سمت شورایی فعالیت کنند. این موضوع را می‌توان اینگونه تحلیل کرد که شوراییان عضویت خود را در شورایی مفید و سود ده ارزیابی نموده‌اند ولی مزایای عضویت در شورایی برای شهروندان روشن نیست و چه بسا آن را بی‌فایده ارزیابی می‌کنند؛
- میزان آشنایی مردم با اعضای شورایی در شرق تهران بیشتر است و مرکز در رده دوم قرار دارد و بدترین وضعیت در شمال دیده می‌شود؛
- میزان مراجعه مردم به شورایی در شمال و شرق تهران بیشتر است و مرکز در رده دوم قرار دارد و بدترین وضعیت در غرب و جنوب دیده می‌شود؛
- میزان آشنایی مردم با فعالیت شورایی در مرکز تهران بیشتر است و شرق در رده دوم قرار دارد و بدترین وضعیت در شمال دیده می‌شود؛
- شهروندان شمال تهران علاقه کمتر نسبت به سایر پهنه‌ها برای شرکت در دوره بعد نشان می‌دهند و در مقابل شهروندان مرکز تهران قرار دارند؛
- شوراییان غرب تهران علاقه کمتری برای عضویت مجدد در شورایی محله نشان می‌دهند و در مقابل شوراییان مرکز و جنوب تهران قرار دارند؛

جدول ۳: نتایج جنبی حاصل از پردازش داده‌های پژوهش

رابطه جنبی حاصل از داده‌های پژوهش در جامعه شوراییان	χ^2	Df	Sig	رابطه وجود دارد
بین سمت افراد در شورایی و میزان مشارکتشان در مدیریت شهری	۲۷/۲۷	۱۶	۰/۰۳	رابطه وجود دارد
بین سمت افراد در شورایی و علاقه به شرکت در دوره بعد	۲/۸۷	۴	۰/۵۸	رابطه وجود ندارد
بین محل سکونت شوراییان و علاقه به عضویت در دوره بعد	۹/۷۶	۴	۰/۰۴	رابطه وجود دارد
بین سوابق مشارکتی و مشارکت یا مدیریت شهری	۳۸-۲	۱۶	۰/۰۱	رابطه وجود دارد
بین سوابق مشارکتی و سطح تحصیلات	۳۲/۶۴	۲۰	۰/۰۳	رابطه وجود دارد
بین سمت افراد در شورایی و سن آنها	۳۴/۸۳	۲۰	۰/۰۲	رابطه وجود دارد
بین سابقه سکونت در محله و مشارکت	۱۵/۷۹	۱۲	۰/۲	رابطه وجود دارد

- تفاوت چندانی بین شورایاران و شهروندان هر پهنه از شهر تهران از نظر سطح تحصیلات وجود ندارند و این می‌تواند نشان دهنده برگزیدن شورایاران از جامعه شهروندان هم منطقه خود باشد؛
- قابل توجه است که افراد دارای تحصیلات عالی در هر دو جامعه بیشتر در مناطق شمالی، مرکزی و غربی دیده می‌شوند؛
- شورایاران از سایر شهروندان از میانگین سنی بالاتری برخوردارند؛
- بطور کلی شورایاران محلات از سایر هم‌محله‌های خود از سابقه سکونت بیشتری در محله برخوردارند. و سابقه سکونت شورایاران شمال تهران از سایر پهنه‌ها بیشتر است. لذا می‌توان فهمید که مردم افراد با سابقه سکونت بالاتر را به عنوان معتمد محله برمی‌گزینند. در همه پهنه‌ها این قاعده صدق می‌کند؛
- سابقه سکونت بیشتر در جامعه شهروندان در پهنه‌های جنوب و مرکز بیشتر است؛
- بین میزان سوابق مشارکتی افراد و گرایش آنها به مشارکت رابطه وجود دارد، افراد با سوابق مشارکتی بیشتر گرایش بیشتری به مشارکت نشان می‌دهند؛
- در مقایسه شورایاران و شهروندان می‌توان به این نکته اشاره کرد که شورایاران عموماً از سوابق مشارکتی بیشتری برخوردارند. و این می‌تواند موید این نکته باشد که داشتن سابقه در مشارکت یکی از عوامل موثر در مشارکت‌های بعدی خواهد بود. از طرفی دیده می‌شود در جامعه شورایاران بیشترین سوابق مشارکت را به ترتیب مردم جنوب، شرق و شمال دارند و اهالی مرکزی و غربی سوابق مشارکتی کمتری را عنوان کرده‌اند اما در طیف شورایاری موضوع دیگری نمایان است؛ شورایاران غربی، شمالی سوابق مشارکتی بیشتری را نشان داده‌اند و کمترین سابقه در مشارکت مربوط به مرکز است.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در بخشهای قبل و همچنین مشاهده شخص پژوهشگر و با استفاده از نظریات صاحب نظرانی که از آرای آنها در طول اجرای این پژوهش بدست آمده و همچنین نکاتی که شورایاران در کنار پاسخگویی به سئوالات بسته عنوان داشته‌اند پیشنهاد‌های ذیل برای بهبود اجرای الگوی مشارکتی شورایاران در شهر تهران به ویژه در دوره آتی آن می‌تواند مفید باشد:



(۱) می توان از اطلاع رسانی به عنوان بزرگترین کمبود در اجرای طرح شوراییها یاد کرد. اینکه بیش از ۶۰ درصد از شهروندان حتی نامی از شورایی محله نشنیده‌اند، نشان دهنده این است که تاثیر گذاری این طرح در جامعه شهروندان بشدت زیر سؤال است. لذا توصیه می‌شود امکانات اطلاع رسانی بیشتری در اختیار شوراییها قرار داده شود تا آنها بتوانند با مردم محله تماس بیشتری برقرار کنند. برپایی تابلوهای اطلاع رسانی در اماکن عمومی محله که در آن مصوبات شورای محله، نشانی اعضای، شرح اقدامات و صورت جلساتی که با مدیران شهری برپا می‌شود می‌تواند کم هزینه‌ترین راه برای رسیدن به این هدف باشد.

(۲) موضوع آموزش به منتخبین شورایی محلات در پیگیری امور شهری از مواردی است که در اجرای این الگو ناکام مانده است. با وجود افراد خیره و با تحصیلات عالی در بسیاری از شوراییها، اگر به داده‌های جمع آوری شده قبلی بنگریم، خواهیم دید که بیش از ۵۰ درصد شوراییاران دارای سطح تحصیل دیپلم و زیر دیپلم هستند و مشاهدات پژوهشگر موید این است که بسیاری از شوراییاران نیازمند آموزش‌های مقدماتی در مراسلات اداری، پی‌گیری‌های اداری، سازماندهی و مدیریت، روابط عمومی و کار تیمی و... هستند. لذا پیشنهاد می‌شود برای این موضوع برنامه‌ریزی بیشتری صورت گیرد.

(۳) همانطور که در یافته‌های پژوهش بیان شد بخش اعظم از بدنه شورایی محله از عضویت خود دلسردند و علاقهای به شرکت در دوره‌های بعد را ندارند و در مقابل اعضای با سمت دبیر و جانشین در نقطه مقابل قرار دارند. این موضوع معلول عدم سازماندهی و تقسیم وظایف در شورایی محله است. مشاهدات پژوهشگر نشان می‌دهد که تمامی ادارات در شهرداری مناطق در حوزه‌های مختلف فقط یک عضو از شورایی را می‌شناسند و ارتباط فقط از جانب دبیر شورایی وجود دارد این موضوع در صورتی که دبیر بتواند با برگزاری جلسات اطلاعات را به سایر اعضای منتقل کند و هر کدام از اعضای متناسب با وظیفه خاص خود به پیگیری امور بپردازد بی اشکال است ولی دیده می‌شود که در اغلب موارد این موضوع صورت نمی‌گیرد. لذا همانطور که در طرح اولیه شورایی محلات توسط پرویز پیران عنوان شده بود تشکیل کمیته‌های تخصصی در شورایی می‌تواند راه گشا باشد. این کمیته‌ها می‌تواند با عضویت سه نفر از اعضای و تعدادی از متخصصین محلی تشکیل شود و جلسات ویژه‌ای را برای تصمیم‌گیری در امور محله برگزار کند و

رییس هر کمیته به ادارات مربوطه معرفی گردد. این کار نیازمند پیگیری شورای اسلامی شهر به عنوان متولی شوراییها می باشد.

(۴) با توجه به ویژگی محلی بودن شوراییاران و داوطلبانه بودن مشارکت آنها، پیشنهاد می شود مدیران شهری از شوراییاران به عنوان ناظر مقیم برای نظارت بر پیمانکاران شهرداری دعوت کند. اما باید ذکر کرد که قبل از آن لازم است زمینه این کار (آموزش و سازماندهی) فراهم شود.

فهرست منابع

- (۱) -----، نقش نوین شهرها و مساله مدیریت، ویژهنامه مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، تهران: شهرداری تهران.
- (۲) آشوری، داریوش. ۱۳۸۰ دانشنامه سیاسی. تهران: مرارید.
- (۳) آقا بخشی، علی. ۱۳۸۳. فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- (۴) زاهدی فر، محمدحسین. ۱۳۷۳. تحلیل نظام تصمیم گیری در شهر تهران، بررسی امکان پذیری تمرکزگرایی در تصمیم گیری، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۵) شورای اسلامی شهر تهران، اساسنامه انجمن معتمدین محلات (شوراییاری)
- (۶) طوسی، محمدعلی. ۱۳۷۳. پدیده مدیریت شهری، تدبیر، سال پنجم، شماره ۴۸ آذرماه ۱۳۷۳.
- (۷) علوی تبار، علیرضا. ۱۳۷۹. بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- (۸) کاظمیان شیروان غلامرضا. ۱۳۷۳. الگوی مناسب سیستم مدیریت شهری در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۹) کسالایی، افشین. ۱۳۷۹. جایگاه و نقش مدیریت مشارکتی در مدیریت شهری شهرهای جدید (شهر جدید پردیس)، پایان نامه کارشناسی ارشد-دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
- (۱۰) گولد، جولیس و یلیام کولب. ۱۳۷۶. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه پرهام، باقر، مازیار. تهران: ۱۳۷۶.
- (۱۱) نجاتی حسینی، سید محمود. ۱۳۸۰. بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداریها. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای ایران.



- 12) E Karami, M Shiva 2006 Decision-Directed Recursive Least Squares MIMO Channels Tracking, EURASIP Journal on Wireless Communications and Networking, 2006
- 13) Davis, F.D., Bagozzi, R.P., Warshaw, P.R. 1989. User acceptance of computer technology: a comparison of two theoretical models. Management Science, Vol. 35 No.8, pp.982-1003
- 14) LO Niemeyer. 1991. Social labeling, stereotyping, and observer bias in workers' compensation. Journal of Occupational Rehabilitation, 1991 - Springer



